

۹۵,۹/۲۰

روان‌شناسی زنان

الهه‌ی درون زن

روان‌شناسی زنان از دیدگاه اسطوره‌شناسی
(بررسی این آله‌های نیرومند در زندگی زنان)

نویسنده:

دکتر جین شینودا ولن

برگردان:

ملیحه وقامهر

زیر نظر و به ویراستاری

دکتر غلامرضا آذری



سرسناسه: بولن، جین شینودا Bolen, Jean Shinoda
عنوان و نام پدیدآور: روان‌شناسی زنان الهی درون زن: روان‌شناسی زنان از دیدگاه اسطوره‌شناسی
(بررسی کهن الگوهای نیرومند در زندگی زنان) / نویسنده جین شینودا بولن؛
برگردان ملیحه وقامهر؛ زیر نظر و به ویراستاری غلامرضا آذری.

مشخصات نشر: تهران: دانژه، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۰-۷۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی

زنان" ترجمه‌ای آذر یوسفی توسط نشر روشنگران در ۱۳۷۳ منتشر شده است.

عنوان دیگر: نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان.

موضوع: زنان - روان‌شناسی

موضوع: نمونه ازلی

شناسه افزوده: وقامهر، ملیحه، ۱۳۶۲ -، مترجم

شناسه افزوده: آذری، غلامرضا، ویراستار

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۸۸ ۹/ب۹/۱۲۰۶ HQ

رده بندی دیویی: ۳۰۵/۴

ماره کتابشناسی ملی: ۲۱۲۰۱۷۳

عنوان: روان‌شناسی زنان (الهی درون زن)

نویسنده: دکتر جین شینودا بولن

مترجم: ملیحه وقامهر

مدیر تولید: داریوش سرمد

صفحه آرا: گروه گرافیک دانژه

ناشر: دانژه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیفنگ

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه / قطع: رقعی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۰-۷۶-۸

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیراتابک)، کوچه اسلامی، شماره ۲/۴
کدپستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱ صندوق پستی: ۴۱۴۶-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸ - ۸۸۸۴۲۵۴۳ تلفکس: ۸۸۸۱۲۰۸۳

فروش اینترنتی و آشنایی با نشر دانژه در: www.iketab.com

info@danjeh.org

www.danjeh.org

سخن ناشر

بر خواننده این اثر روشن است که تحلیل و تفسیر این کتاب درباره‌ی شخصیت و تیپ اساسی زنان، برگرفته از اسطوره‌های یونان و روم باستان است، و به‌رغم تلفیق مطالب آن با نظریه‌ی کارل گوستاو یونگ، البته یک دیدگاه توحیدی نیست و یافته‌های بشری است که در واقع به نوعی تعبیر رؤیای جمعی انسان درباره‌ی زنان و مردان است.

افزون بر این‌ها، تیپ‌های از زنان و مردان که در این دو کتاب توصیف شده، در عالم واقع و به‌طور کامل اسطوره‌ای نیست. با این اوصاف و به هر حال، خصلت‌های توصیف شده در این اثر ممکن است در فردی غالب بوده که مانع ظهور سایر صفات نهفته در او شده باشد. صورت نخست لازم است که با پرورش سایر ویژگی‌های مناسب در تحقق شخصیت متعادل‌تر و سازگارتر بکوشیم. دو دیگر آن که تحقق هدف نخست مستلزم پذیرش آزمون‌هاست، که هستیم خواهد بود و سه دیگر این که در انتخاب مرد یا زن برای ازدواج همسری، لازم است که با پذیرش آنچه "هست"، به تناسب و سازواری دو تیپ شخصیتی بیندیشیم زیرا که ازدواج تغییر دیگری نیست، یک انتخاب است. در فضای مهر و همدلی است که تغییر رخ می‌دهد و دست آخر بدانیم که در هر مردی، زنی و در هر زنی، مردی پنهان است.

فهرست

عنوان

صفحه

۹	 مقدمه مترجم
۲۵	 مقدمه
۴۱	 ۱. الهه‌ها به مثابه‌ی تصاویر درونی
۵۷	 ۲. فعال کردن الهه‌ها
۷۱	 ۳. الهه‌های باکره
۸۵	 ۴. آرتمیس
۱۲۳	 ۵. آتنا
۱۶۵	 ۶. هستیا
۱۹۷	 ۷. الهه‌های آسیب پذیر
۲۰۵	 ۸. هرا
۲۴۳	 ۹. دیمتر
۲۸۱	 ۱۰. پرسه فونه
۳۱۷	 ۱۱. الهه‌ی کیمیایی
۳۲۹	 ۱۲. آفرودیت
۳۶۹	 ۱۳. کدام الهه سبب زرین را به دست می‌آورد؟
۳۸۹	 ۱۴. قهرمان درون زن
۴۱۵	 پیوست
۴۲۴	 منابع
۴۴۲	 واژه‌نما
۴۴۳	 موضوع‌نما
۴۴۵	 نام‌نما
۴۴۸	 جای‌نما

مقدمه مترجم

اسطوره^۱، خاستگاه و نظریه‌ها

واژه‌ی اسطوره در زبان پارسی از واژه عربی «اسطوره» و «الاسطیره» به معنای روایت و حدیث که اصلیت ندارد، گرفته شده است. این واژه نیز به نوبه خود از واژه یونانی هیس ریا به معنی «جستجو، آگاهی، و داستان» گرفته شده است. این واژه در سانسکریت Sutra به معنی داستان است که بیشتر در نوشته‌های بودایی به کار رفته است. در فرانسه Histoire، در انگلیسی به دو صورت story به معنی حکایت، داستان و قصه‌ی تاریخی، و History به معنی تاریخ، گزارش و روایت به کار می‌رود.

میرچا الیاده^۲ دین شناس رومانیایی، اسطوره را چنین تعریف می‌کند:

اسطوره نقل کننده‌ی سرگذشت آسمانی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان نخستین، زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده است. به بیان دیگر: اسطوره حکایت می‌کند که چگونه به برکت کارهای نمایان برشته‌ی موجودات فراطبیعی، واقعیتی، خواه کل واقعیت، یا تنها پاره‌ای از آن پا به عرصه وجود نهاده است. بنابراین اسطوره همواره در بردارنده‌ی روایت یک خلقت است، یعنی می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از حیزم که براساسی روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید. شخصیت‌های اسطوره موجودات فراطبیعی‌اند و تنها به دلیل کارهایی که در زمان سرآغاز همه چیز انجام داده‌اند،

شهرت دارند. اساطیر کار خلاق آنان را باز می‌نمایاند و قداست یا فراطبیعی بودن اعمالشان را آشکار می‌نماید (هادی، ۱۳۷۷).

به طور معمول شخصیت‌های اصلی در اساطیر خدایان و قهرمانان فراطبیعی هستند.

اسطوره‌ها به عنوان داستان‌های مقدس، اغلب توسط فرمانروایان و کشیش‌ها تأیید شده و ارتباط نزدیکی با دین دارند. اسطوره در جامعه‌ای که نقل می‌شود، به طور معمول به عنوان روایتی از گذشته دور در نظر گرفته می‌شود. در واقع، بسیاری جوامع دو نوع روایت می‌دارند: «داستانهای حقیقی» یا اسطوره‌ها، و «داستان‌های دروغین»، یا فابل‌ها. اسطوره‌ها عموماً در دوره‌ی ازلی رخ می‌دهند، زمانی که دنیا هنوز فرم کنونی خود را نداشت. اساطیر می‌کنند که چگونه جهان به فرم کنونی خود رسید و چگونه سنت‌ها، رسوم، و تابوها استوار یافتند.

مفاهیمی که ارتباط نزدیکی با اسطوره دارند، افسانه^۳ و قصه عامیانه^۴ هستند. اسطوره‌ها، افسانه‌ها، و قصه‌های عامیانه گاهی متفاوتی از داستان سنتی هستند. بر خلاف اساطیر، قصه‌های محلی در هر زمان و مکانی می‌توانند رخ بدهند، و حتی جوامعی که آنها را نقل می‌کنند، مقدس یا حقیقی در نظر نمی‌گیرند؛ به هر حال، آنها در دوره‌ی اخیرتر رخ می‌دهند. افسانه نیز عموماً انسان‌ها را به عنوان شخصیت‌های اصلی ذکر می‌کند، درحالی که اساطیر عموماً شخصیت‌های فراطبیعی را مطرح نظر قرار می‌دهد.

1- Fable

فابل یک داستان موجز، به نظم یا نثر است، که حیوانات، گیاهان، اشیاء بیجان، یا نیروهای طبیعت را نمایان می‌سازد که جنبه انسانی به خود گرفته‌اند، و یک درس اخلاقی را با مثال شرح می‌دهد. - م.

2- Taboo

یک تابو نوعی ممنوعیت اجتماعی نیرومند است که با حوزه فعالیت انسان یا سنت‌های اجتماعی که بر مبنای قضاوت اخلاقی و گاه حتی باورهای مذهبی مقدس نهی شده است، ارتباط دارد. - م.

3- Legend

4- Folktale

اسطوره، افسانه، و قصه عامیانه برخی مقوله‌های اندکی از داستان‌های سنتی هستند. مقوله‌های دیگر عبارتند از: حکایات^۱ و برخی انواع لطیفه‌ها^۲. داستان‌های سنتی، در عوض، تنها یک مقوله در فرهنگ عامه^۳ هستند، که در بردارنده‌ی بخشهایی از قبیل حالات بدنی، سنت‌ها، و موسیقی‌اند.

نظریه‌های گوناگونی درباره‌ی خاستگاه اساطیر بیان شده است. یک نظریه اظهار می‌کند که اساطیر روایات تحریف شده‌ای از رویدادهای تاریخی واقعی هستند. بر طبق این نظریه، راویان داستان پیوسته رویدادهای تاریخی را گسترش دادند تا اینکه شخصیت‌های این روایات وجهه‌ی خدایی یافتند. به طور مثال، ممکن است کسی استدلال کند که اسطوره‌ی خدای باد آئولوس^۴ از روایت تاریخی درباره‌ی پادشاهی که به مردم خود آموخت تا از بادبان‌ها استفاده کرده و باد را هدایت نمایند، تکامل یافته است، یا آنچنان که نزد سی حکیم اشاره می‌کند:

که رستم یلی و د رستم‌ان منش کرده‌ام رستم داستان

هرودوت^۵ و پرودیکوس^۶ چنین ادعای را مطرح کرده‌اند. این نظریه، بعد از اثومرس^۷ رمان نویس (۳۲۰ پیش از میلاد)، که پیشنهاد کرد خدایان یونانی از افسانه‌های مربوط به انسان‌ها پدید آمدند، «اثومرس»^۸ امیده می‌شود (هونکو^۹، صفحه ۴۵؛ فرهنگ ادیان جهانی فشرده آکسفورد).

برخی نظریه‌ها پیشنهاد می‌کنند که اساطیر به صورت «تمثیل»^{۱۰} آغاز شدند. بر طبق یک نظریه، اساطیر به صورت تمثیل‌هایی برای پدیده‌های طبیعی آغاز شدند: به طور مثال آپولو^{۱۱} نماینده‌ی آتش، پوزیدون^{۱۲} نماینده آب و... هستند. بر طبق یک نظریه‌ی دیگر، اساطیر به صورت تمثیل‌هایی برای مفاهیم فلسفی یا معنوی پدیدار شدند: به طور

1- Anecdotes

2- Jokes

3- Folklore

4- Aeolus

5- Herodotus

6- Prodicus

7- Euhemerus

8- Euhemerism

9- Honko

10- Alleg

11- Apollo

12- Poseidon

مثال، آتنا^۱ نماینده‌ی داوری خردمندان، و آفرودیت نماینده‌ی شهوت، و... هستند. در قرن نوزدهم ماکس مولر^۲ سانسکریت شناس از نظریه‌ی تمثیلی اسطوره حمایت نمود. او بر این باور بود که اساطیر به صورت توصیف‌های تمثیلی از طبیعت آغاز شدند، اما به تدریج واقعی تعبیر شدند: به طور مثال، توصیف شاعرانه‌ای از دریا به عنوان «خشمگین» سرانجام واقعی تصور شد، و از آن پس دریا به عنوان خدای خشمگین پنداشد شد.

برخی اندیشمندان بر این باورند که اساطیر از تجسم^۳ نیروها و اشیاء بی‌جان پدید آمدند. طبق نظر این اندیشمندان، مردم باستان که پدیده‌های طبیعی همچون آتش و هوا را می‌پرسیدند، به تدریج به توصیف آنها در قالب خدا پرداختند. به طور مثال، بر طبق نظریه اندیشه‌ی اسطوره‌سازی^۴ مردم باستان تمایل داشتند تا چیزها را به صورت اشخاص، و نه فقط اساطیر، بگردانند. این ترتیب، آنها رویدادهای طبیعی را به عنوان اعمال خدایان شخصی توصیف می‌کرد، و بدین ترتیب اسطوره‌ها را پدید آوردند.

نظریه‌ی دیگری که در خصوص خاستگاه اساطیر مطرح است نظریه‌ی اسطوره - آیین عبادی^۵ نام دارد. بر طبق این نظریه، وجود اسطوره به آیین عبادی وابسته است. این نظریه در شکل افراطی خود، ادعا می‌کند که اساطیر برای تبیین آیین‌های عبادی پدید آمدند. این نظریه ابتدا توسط یک دانشمند انجمن^۶ به نام ویلیام رابرتسون اسمیت^۷ مطرح شد. بر طبق نظریه اسمیت، مردم انجام آیین‌های عبادی را به خاطر دلایلی که به اسطوره مربوط نیست، آغاز می‌کنند؛ بعدها، پس از اینکه آنها دلیل اصلی برای اجرای آیین عبادی را فراموش کرده‌اند، می‌کوشند تا برای ابداع یک اسطوره، آن را توجیه نمایند و ادعا می‌کنند که آیین عبادی به یاد بود رویدادهای توصیف شده در آن اسطوره بر پا می‌شود.

1- Athena

2- Max Muller

3- Personification

2- Mythopoeic thought

5- The mythic ritual

6- William Robertson Smith

به طور مثال، ای.بی. تیلور^۱ اسطوره را به عنوان کوششی برای تبیین واقعی پدیده‌های طبیعی تعبیر نمود: انسان اولیه که از درک قوانین غیر بشری طبیعی ناتوان بود، کوشید تا از طریق نسبت دادن روح به اشیاء بی جان، جان‌گرایی^۲ را پدید آورد. طبق نظر تیلور، تفکر بشر که طی چندین مرحله تکامل می‌یابد، ابتدا با اندیشه‌های اسطوره شناختی آغاز می‌شود و به تدریج به سوی اندیشه‌های علمی پیشرفت می‌کند. همگی دانشمندان حتی تمامی دانشمندان قرن نوزدهم با این نظر موافق نیستند. به طور مثال، اسین لوی - برول^۳ ادعا کرد که «ذهنیت اولیه وضعیتی از ذهن بشر است، و نه مرحله‌ای از تحول تاریخی آن».

کس مولر اسطوره را بیماری زبان نامید. او گمان می‌کرد که اساطیر در نتیجه فقدان اسامی متراعی^۴ و جنس خنثی در زبان‌های باستانی پدید آمدند: شخصیت‌های تشبیهی گفتار، که در چنین زبان‌هایی ضروری بودند، سرانجام واقعی فرض شدند، و این موضوع به این توهم^۵ انجامید که پدیده‌های طبیعی خدایان، و موجودات هشیاری هستند (سگال^۶، ص ۳).

جیمز فریزر^۷ مردم شناس اسطوره را سوء تعبیر آیین‌های عبادی جادویی می‌پنداشت، که مبنای خود آنها نیز تصورات اشتباه درباره‌ی قوانین طبیعی بود. هنگامی که انسان پی برد کاربردهای او از این قوانین بی‌اثر هستند، از عقیده‌اش به قانون طبیعی، به نفع عقیده به خدایان شخصی که طبیعت را کنترل می‌کنند، دست کشید و به این نحو اساطیر دینی پدید آمدند. در این اثناء انسان به اجبار عادت به ادای آیین‌های جادویی پیشین ادامه می‌دهد، و آنها را از نو به عنوان باورهای رویدادهای اسطوره‌ای تفسیر می‌کند. سرانجام، فریزر معتقد است، انسان پیوسته به طبیعت از قوانین طبیعی پیروی می‌کند، اما او اکنون ماهیت حقیقی آنها را از طریق علم کشف می‌کند.

1- E.B.Tylor

2- Animism

3- Lucian levy- Bruhl

4- Segal

5- James Frazer

بسیاری از نظریات قرن بیستم در باب اسطوره نظریات قرن نوزدهم را مبنی بر تقابل اسطوره و علم نپذیرفتند. در مجموع، نظریات قرن بیستم تمایل دارند تا اسطوره را هر چیزی به جز همتایی منسوخ شده برای علم تلقی کنند در نتیجه انسانهای امروزی مجبور نیستند تا به خاطر علم اسطوره را رها نمایند (سگال، ص ۳).

جیمز فریزر مردم شناس نیز نظریه مشابهی داشت. فریزر بر این باور بود که انسان نخستین با باور به قوانین جادویی آغاز کرد (سگال، صفحه ۶۸-۶۷)؛ بعدها، هنگامی که انسان بدریج از باور به جادو دست کشید، اساطیری درباره خدایان ابداع نمود و ادعا کرد که آن‌ها برای آسایش، به منظور خشنود کردن خدایان هستند.

اسطوره‌ها کارکردهای گوناگونی دارد. یکی از برجسته‌ترین کارکردهای آن ایجاد الگوهایی برای رفت و آمد است. شخصیت‌هایی که در اساطیر توصیف می‌شوند، مقدس بوده و بنابراین الگوهای نقش‌آرزمندی برای انسان محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، اساطیر رسوم و ساختارهای اجتماعی فعلی را حفظ می‌کنند؛ آنها با این ادعا که توسط موجودات مقدس برقرار شده‌اند، سنت‌ها را توجیه می‌نمایند. عملکرد دیگر اسطوره فراهم آوردن تجربه دینی برای انسانهاست. انسانها، از طریق بازگو نمودن اساطیر، خودشان را از زمان حال جدا کرده و به دوران اسطوره‌ای باز می‌گردند، و به موجب آن خودشان را به یک مرجع نسبی ردیگر می‌کنند. در واقع، در برخی موارد، یک جامعه در تلاش برای از نو ایجاد کردن شرایط دوران اسطوره‌ای، یک اسطوره را از نو به نمایش می‌گذارد.

دانشی که به مطالعه اساطیر و یا بدنه اساطیر می‌پردازد، اسطوره‌شناسی نام دارد (کیرک^۱، صفحه ۸). به طور مثال اسطوره‌شناسی مقایسه‌ای^۲، مطالعه روابط میان اساطیر فرهنگ‌های گوناگون است، در حالی که اسطوره‌شناسی یونانی مطالعه بدنه اساطیر یونان باستان است. تفاسیر انتقادی از اسطوره به دوره‌ی پیش از سقراط بر

می‌گردد. انومرس یکی از مهمترین اسطوره‌شناسان پیش از دنیای مدرن بود. او اساطیر را به عنوان روایتی از رویدادهای تاریخی، که در طی بازگویی‌های بسیار تحریف شده‌اند، تعبیر نمود.

وارو^۱ سه جنبه از الهیات را متمایز نمود. او در کنار رویکردهای سیاسی (اجتماعی) و طبیعی (فیزیکی) نسبت به یک مرجع قدسی، الهیات اسطوره‌ای را نیز در نظر می‌گیرد. بعد از آن، علاقه به اسطوره‌شناسی چندخدایی در دوره رنسانس رونق یافت.

خاستن نظریه‌های تخصصی درباره اسطوره در طول نیمه دوم سده‌ی نوزدهم پدیدار شد. به طور کلی، نظریات قرن نوزدهم اسطوره را به عنوان نوعی شیوه تفکر مطلق یا ناکام بیان کرده، و اغلب آن را همچون همتایی ابتدایی برای علوم مدرن تعبیر نمودند (سگال، صفحه ۳۰۰).

روان‌شناس سوئیس کارل گوستاو یونگ^۲ (۱۸۷۳-۱۹۶۱) و پیروانش کوشیدند تا روان‌شناسی را در پس اساطیر چهارپایه‌ها کشف کنند. یونگ استدلال کرد همه‌ی انسانها در برخی نیروهای روان‌شناختی بسیار ذاتی مشترک هستند، که او آنها را کهن‌الگو نامید. این کهن‌الگوهای جهانی خودشان را در همانندی‌های میان اساطیر فرهنگ‌های متفاوت نشان می‌دهند (بوئری^۳). به دنبال یونگ، جوزف کمپبل^۴ بر این باور بود که

1- Varro

2- Carl Gustav Jung

روان‌شناس سوئیس که در ۲۶ ژوئیه ۱۸۷۵ در بابل متولد شد. او به شدت تحت تأثیر فروید بود. همکاریش را از سال ۱۹۰۶، وی آغاز کرد، ولی درس ال ۱۹۱۲ از او گسست. عقده جنسی نخستین بار توسط او مطرح شد. درون‌گرایی و برونگرایی از اصطلاحات ابداعی وی هستند. یونگ روان را به روان عینی (هشیار) و ناهشیار و روان ذهنی (ناهشیار جمعی) تقسیم کرد که در میان آنها ارتباط مکمل و جبرانی وجود دارد. آثار عمده وی عبارتند از: مجموعه آثار در روان‌شناسی تحلیلی، روان‌شناسی ناخودآگاه، نمونه‌های روان‌شناسی

بینش درباره‌ی روان‌شناسی فرد که از طریق خواندن اساطیر به دست می‌آید، می‌تواند به نحو سودمندی در زندگی خود فرد به کار رود.

کلود لوی استراوس^۱ بر این باور بود که اساطیر الگوهای درون ذهن را منعکس می‌کنند. هر چند، او بیشتر از آنکه این الگوها را به عنوان امیال یا احساسات ناهشیار درک کند، آنها را همچون ساختارهای ذهنی تثبیت شده تلقی می‌نمود، به ویژه زوج‌های متضاد (مثل خام در برابر پخته، طبیعت در برابر فرهنگ) (سگال، صفحه ۱۱۳).
 یونان باستان^۲ نیز پیوست خود برای اساطیر، رویاها و اسرار، و در اسطوره بازگشت ابدی. اضطراب‌ها، انسان معاصر را به نپذیرفتن اساطیر و مفهوم مقدس بودن نسبت می‌دهد.

از آنجا که این اثر از ما هیم روان تحلیل گرانه برای فهم اسطوره مدد گرفته است، نگاه کوتاهی بر پیرامون سوره و روان تحلیل گری خواهیم داشت.

اسطوره و روان تحلیل گری

همانگونه که پیشتر اشاره شد، اساطیر و ادیان طی سده نوزده شدت گرفت، الگوهای آنها استخراج و مقایسه شد، و نظریات درباره‌ی آنچه آنها درباره شرایط مشترک بشر آشکار می‌نمودند، مطرح شد. اسطوره‌ها به طور فزاینده‌ای به عنوان نمود نیازهای درون روان انسان تلقی شدند.

رشد سریع علاقه به سنت‌های فرهنگ‌های دیگر، به نسبت به نور همزمان با استقرار علم روان‌شناسی رخ داد و آنها پیوسته یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دادند. مردم شناسان از مفاهیم روان‌شناختی برای تحلیل و تبیین عقاید و تالیف مذهبی جوامعی که مطالعه می‌کردند، استفاده نموده، و روان‌شناسان برای حمایت از نظریاتشان درباره ماهیت ذهن انسان شواهد مردم شناسانه را جستجو می‌کردند.